

دهند که این از جانب پروردگارت، با حقیقت نازل شده است. نباید هیچ شکی به خود راه دهی. (۶:۱۱۴)

و تمت کلمة ربك صدقا وعدلا (۶:۱۱۵)

۱۱۵- کلام پروردگار تو، در راستی و عدالت، کامل است. هیچ چیز نباید کلمات او را لغو کند. اوست شنوا، دانای مطلق. (۶:۱۱۵)

نتیجه ایمان نیاوردن به خدا

خدا می فرماید قرآن کامل، بی عیب و مفصل با جزئیات است. فرمان های او واضح و محکم است، که شما برای هدایت دینی از هیچ منشاء دیگری در کنار قرآن پیروی نکنید.

اکنون، آزادی کامل دارید که به **خدا** ایمان بیاورید، یا گفته های او را تکذیب کنید و به فرمان های او بی اعتناء باشید، در صورتی که شما خواسته (یا نا خواسته) نتیجه آن را پذیرفتید. بدون شک شما قبول می کنید، ایمان نیاوردن به **خدا** گناهی بسیار جدی است. (مراجعة به ۷:۴۰)

إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَا تَفْتَحْ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلْجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُجْرِمِينَ (۷:۴۰)

۴۰ - مطمئناً کسانی که آیات ما را تکذیب می کنند و متکبرتر از آن هستند که از آنها پیروی کنند، دروازه های آسمان هرگز به روی آنها باز نخواهد شد و به بهشت وارد نخواهند شد، تا اینکه شتر از سوراخ سوزن رد شود. اینچنین مجرمین را مجازات می دهیم. (۷:۴۰)

پس، برای آنان که به **خدا** ایمان نمی آورند عملاً غیر ممکن است وارد بهشت شوند.

معیار مهم آیات الهی

بعضی از مردم ادعا می کنند که حدیث و سنت "آیات الهی هستند. واضح است، آنان آگاه نیستند که معیار آیات الهی حفاظت کامل آن است. چون حدیث و سنت پیغمبر زیاد تحریف شده اند، هرگز نمی تواند معیار آیات الهی شود. این یک واقعیت تصدیق شده است که اکثر حدیث ها دروغ هایی ساختگی هستند.

إِنَّا نَحْنُ الذَّكْرُ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ (۱۵:۹)

۹ - ما پیام را نازل کردیم و قطعاً، ما آن را حفظ خواهیم کرد. (۱۵:۹)

جاءهم وإنه لكتاب عزيز (۴۱) لا يأتيه الباطل من بين يديه ولا من خلفه تنزيل من حكيم حميد (۴۱:۴۲)

۴۱ - حقیقتاً این کتاب آسمانی محترمی است. ۴۲ - هیچ کلام باطلی در گذشته یا در آینده نمی تواند در آن وارد شود؛ وحی است از جانب آن بسیار حکیم و قابل ستایش. (۴۱:۴۲)

این کفری مشخص است هنگامی که ادعا می کنند حدیث و سنت وحی الهی است. آیا آنها درک نمی کنند که **خدای قادر مطلق** می تواند آیاتش را حفظ کند؟

حدیث و سنت = ۱۰۰٪ حدس

اگرچه **خدا** اعلام می کند که قرآن با جزئیات مفصل است و باید تنها منشاء باشد، اما اکثریت مسلمانان در پیروی از حدسیاتی مانند حدیث و سنت فریب خورده اند.

در حالیکه از طریق مدرک فیزیکی ثابت شده که قرآن کلام معتبر و غیر تغییر خداست (کتاب، "قرآن: نمایش دیدنی معجزات" را مشاهده کنید)، حدیث و سنت به اتفاق، به عنوان حدسیات شناخته شده اند.

أَفَغَيْرَ اللَّهِ أَبْتَغِي حَكْمًا وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ مُفَصَّلًا وَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ مُنْزَلٌ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُونُونَ مِنَ الْمُمْتَرِينَ (۱۱۴) وَتَمَتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدَلًا لَا مَبْدَلَ لِكَلِمَاتِهِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۱۱۵) وَإِنْ تَطَّعْ أَكْثَرُ مَنْ فِي الْأَرْضِ يَضْلُوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ (۶:۱۱۶)

۱۱۴ - "آیا غیر از احکام خدا، احکام دیگری را مرجع قرار دهیم، در حالیکه او این کتاب را با تمام جزئیات برای شما نازل کرده است؟..... ۱۱۵ - کلام پروردگار تو، در راستی و عدالت، کامل است. هیچ چیز نباید کلمات او را لغو کند. اوست شنوا، دانای مطلق..... ۱۱۶ - اگر از اکثریت مردم روی زمین اطاعت کنی، تو را از راه خدا منحرف می کنند. آنها فقط از گمان خود پیروی می کنند و فقط حدس می زنند." (۶:۱۱۶)

إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَ مَا تَهْوَى الْأَنْفُسُ وَ لَقَدْ جَاءَهُمْ مِنَ رَبِّهِمُ الْهُدَى (۵۳:۲۳)

۲۳ - آنها از گمان و تمایلات شخصی خود پیروی می کنند، هنگامیکه در این از جانب پروردگارشان برای آنها هدایتی به حق آمده است. (۵۳:۲۳)

اطاعت از رسول شرط دارد

اطاعت از رسول فقط در ارتباط با آیات قرآنی مطلق است.

اطاعت از رسول این است که از قرآن پیروی شود، تمام قرآن و هیچ چیز جز قرآن.

اطاعت کردن اکید تحت شرایطی است که منشاء خداست از طریق رسول؛ نه رسول که انسانی بیش نیست و قابل خطاست.

در آیه ذیل مشاهده می شود، رسول به عنوان یک انسان فقط مواقعی باید اطاعت شود که او صحیح باشد.

يا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يَبَايِعْنَكَ عَلَى أَنْ لَا يَشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبَهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعْهُنَّ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (٦٠:١٢)

۱۲ - ای پیامبر، هنگامی که زنان مؤمن (که کافران را ترک کرده اند) از تو پناهندگی بخواهند و با تو عهد کنند که در کنار خدا شریکی قرار نخواهند داد و دزدی نکنند، مرتکب زنا نشوند، فرزندان خود را نکشند، از خود دروغ نسازند و از دستورات پرهیزکارانه تو نافرمانی نکنند، عهد آنها را بپذیر و به درگاه خدا برای آمرزش آنها دعا کن. خداست آمرزنده، بسیار رحیم. (٦٠:١٢)

پس، شرایط نشان می دهد محمد به عنوان یک انسان و نه محمد به عنوان رسول باید اطاعت شود فقط اگر او صحیح باشد.

اطاعت از رسول شرط دارد

قرآن تاکید می کند که اطاعت مواقعی قطعی است که منشاء خداست، در حالی که نظر شخصی رسول می تواند زیان آور به خودش و یا آنان که پیرو عقاید شخصی او هستند باشد:

ما أَصَابَكُم مِّنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَمَا أَصَابَكُم مِّنْ سَيِّئَةٍ فَمِنَ نَفْسِكُمْ وَأَرْسَلْنَاكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا (٧٩) مَن يَطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَن تَوَلَّىٰ فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا (٤:٨٠)

۷۹ - هر اتفاق خوبی که برای تو (محمد) رخ دهد از جانب خداست و هر اتفاق بدی که برای تو رخ دهد از جانب خود توست. ما تو را به رسالت نزد مردم فرستاده ایم و خدا به عنوان شاهد کافی است. ۸۰ - هر کس از رسول اطاعت کند، از خدا اطاعت می کند. و اما آنان که روی گردانند، ما تو را به عنوان محافظ آنها نفرستادیم. (٤:٨٠)

پس، نظر شخصی محمد می تواند بد باشد یا می تواند سبب اتفاق بدی باشد. در حالیکه محمد به عنوان رسول سخن خدا، قرآن را بیان می کند و باید مطلقاً اطاعت شود. هر کس از رسول اطاعت کند، از خدا اطاعت می کند و ما باید احکام خدا را اطاعت کنیم و نه احکام انسان را.

اطاعت از رسول شرط دارد

قرآن مثال های زیادی می زند که ما باید آنچه را که محمد به عنوان رسول خدا بیان کرد، اطاعت کنیم و نه لزوماً چیزی را که به عنوان یک انسان بیان کرد. به عنوان یک رسول، او قرآن را بیان کرد و هیچ چیز جز قرآن. گذشته از این، قرآن تعلیم می دهد که محمد به عنوان یک انسان مرتکب اشتباه های جدی شد. از این قرار، در آیه ذیل می بینیم که **خدا** خواستار برپا کردن قانونی بود، که به موجب آن مرد می تواند با زن مطلقه پسر خوانده اش ازدواج کند. محمد مورد این مثال قرار گرفت. هر چند، این قانون مخالف سنت عربستان بود و پیغمبر عملاً بجای **خدا** از مردم ترسید.

وَ إِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَ اتَّقِ اللَّهَ وَ تَخْفَى فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَ تَخْشَى النَّاسَ وَ اللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ فَلَمَّا قُضِيَ زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاكَهَا لَكِي لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا وَ كَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا (۳۳:۳۷)

۳۷ - بیاد آور که تو به آن کسی که **خدا** او را مورد لطف قرار داد و تو او را مورد لطف قرار دادی گفتی، "زنت را نگهدار و **خدا** را محترم بدار،" و تو چیزی را در درون خود مخفی کردی که **خدا** می خواست اعلام کند. پس، تو از مردم ترسیدی، در حالیکه باید فقط از **خدا** می ترسیدی هنگامی که همه چیز کاملاً بین زید و زنش تمام شد، ما تو را وادار به ازدواج با او کردیم، تا این نشان دهد که یک مرد بتواند با زن مطلقه پسر خوانده اش ازدواج کند. امر **خدا** باید اجرا شود. (۳۳:۳۷)

اطاعت از رسول شرط دارد

یک سوره کامل نشان می دهد که محمد فقط باید در مورد سخن های قرآنی و نه سخن های شخصی یا رفتار شخصی اش اطاعت شود. این قانون آنچه را که بعنوان حدیث و سنت برای منشاء هدایت دینی نامیده می شود، تکذیب می کند.

این سوره "عبس" = او اخم کرد نامیده شده است و ماجرائی را شرح می دهد که محمد به یک مرد کور فقیر بی اعتنائی کرد و تمام توجه اش را متوجه مرد ثروتمند کرد.

عبس و تولى (۱) أن جاءه الأعمى (۲) و ما يدريك لعله يزكى (۳) أو يذكر فتنفعه الذكرى (۴) أما من استغنى (۵) فأنت له تصدى (۶) و ما عليك ألا يزكى (۷) و أما من جاءك يسعى (۸) و هو يخشى (۹) فأنت عنه تلهى (۱۰) كلا إنها تذكرة (۱۱) فمن شاء ذكره (۱۲)

۱ - او (محمد) اخم کرد و روی گرداند. ۲ - هنگامی که مرد نابینا به نزدش آمد. ۳ - تو چه می دانی؟ شاید او خود را منزّه کند. ۴ - یا اینکه

توجه کند و از پیام فایده برد. ۵ - و اما آن مرد ثروتمند. ۶ - توبه او توجه کردی. ۷ - با اینکه تو نمی توانستی ضامن نجات او باشی. ۸ - آن کسی که مشتاقانه به نزد تو آمد. ۹ - و واقعاً حرمت و احترام را نگهداشت. ۱۰ - توبه او اعتنا نکردی. ۱۱ - حقیقتاً این یک تذکر است. ۱۲ - تا هر که می خواهد پند گیرد. (۱۸:۱۲)

بت ساختن از محمد

ایمان نیاوردن به **خدا** برخلاف تاکید مکرر مبنی بر اینکه قرآن کامل و بی عیب است، و باید تنها منشاء هدایت دینی باشد و علاوه بر اینها پیروی از حدسیات در غالب حدیث و سنت ایجاد الوهیت پیغمبر محمد را علیرغم خواسته اش ترغیب می کند.

قل لو كان البحر مدادا لكلمات ربي لنفد البحر قبل أن تنفذ كلمات ربي و لو جئنا بمثله مددا (۱۰۹) قل إنما أنا بشر مثلكم يوحى إلي أنما إلهكم إله واحد فمن كان يرجو لقاء ربه فليعمل عملا صالحا و لا يشرك بعبادة ربه أحدا (۱۱۰)

۱۰۹- بگو(محمد)، "اگر اقیانوس برای کلمات پروردگار من مرکب می بود، اقیانوس تمام می شد، قبل از اینکه کلمات پروردگار من به اتمام رسد، حتی اگر مرکب را دو چندان کنیم." ۱۱۰- بگو (محمد)، "من هم مانند شما بشری بیشتر نیستم، به من وحی شده که خدای شما خدای واحد است. کسانی که به دیدار پروردگار خود امیدوار باشند، باید پرهیزکاری کنند و هرگز معبودی در کنار پروردگار خود نگذارند." (۱۸:۱۱۰)

این آیات واضح نشان می دهد که **خدا** کمبود لغت ندارد؛ **او** تمام لغاتی را که لازم داریم در این قرآن به ما داد و نباید کلام محمد یا هر کس دیگری را بطلبیم و محمد انسانی است مانند انسان های دیگر؛ از او نباید بت ساخت (انتهای آیه را مشاهده کنید)

قرآن: محمد را نباید بت کرد

در قرآن فقط دو آیه است که شرح می دهد پیغمبر محمد "بشری بیش از شما نیست."

آیا این تصادفی است که هر دو مورد در پایان آیه شرک را منع می کند؟؟ آیه اول در صفحه قبل نشان داده شده است و آیه دوم در زیر نشان داده می شود:

قل إنما أنا بشر مثلكم يوحى إلي أنما إلهكم إله واحد فاستقيموا إليه و استغفروه و ويل للمشركين (۶)

۶ - بگو (محمد)، "من بشری بیش از شما نیستم، که به من وحی شده که خدای شما خدای واحد است. باید فقط به او اخلاص بورزید و از او آمرزش بخواهید. وای بر مشرکین". (۴۱:۶)

مؤمنان واقعی به گفته پروردگارشان ایمان دارند اینکه قرآن کامل، بی عیب و مفصل با جزئیات است و باید فقط آن را منشاء هدایت دینی قرار دهند. فقط مشرکین غیر از قرآن را می جویند. پیروی از "حدیث و سنت" ساختن بت از پیغمبر محمد است برخلاف خواسته اش.

سوء استفاده کردن از قرآن

إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا (۵۶)

۵۶ - **خدا** و فرشتگانش از پیامبرپشتیبانی می کنند. ای کسانی که ایمان آورده اید، شما هم باید به او کمک کنید و از او پشتیبانی نمایید و به او احترام بگذارید، آنچنان که شایسته احترام است. (۳۳:۵۶)

در این آیه به مراتب بیش از همه آیات قرآن بوسیله تحریف های شیطانی، از جهالت و شرک سوء استفاده شده است. این آیه موجب شده است که میلیون ها نفر از مسلمین، پیغمبر را برخلاف خواسته اش درعوض ستایش **خدا** ستایش کنند.

مردمی که روز و شب مشغول ستایش این آیه به خصوص هستند، مسلماً نسبت به دو واقعیت مهم نا آگاه هستند:

- (۱) کلمه "نبی = پیغمبر" که به پیغمبر محمد برمی گردد، همیشه درحالی که او زنده باشد، به او اشاره می کند ؛ نه بعد از مرگش.
- (۲) در همان سوره، ۱۳ آیه جلوتر از این آیه، می بینیم که **خدا** و فرشتگانش همان گونه احترام را برای تمامی مؤمنان قائل می شوند.

هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُكَ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ (۴۳)

۴۳ - اوست که همراه با فرشتگانش، به شما دلگرمی می دهد تا شما را از تاریکی بسوی روشنایی راهنمایی نماید. (۳۳:۴۳)

سوء استفاده کردن از قرآن

آیه ۱۰۳، سوره ۹ معنی کلمه "صلوا" و "یصلون" را واضح نشان می دهد؛ در این آیه، می بینیم که به پیغمبر "یصلون" از مؤمنان فرمان داده شده است، همان طور که از آنان در آیه ۵۶ سوره ۳۳ برای او خواسته شده است.

خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلْ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلاَتَكَ سَكَنَ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۱۰۳)

۱۰۳- از پول آنان صدقه ای بگیر تا آنان را پاک و مقدس کنی و به آنان دلگرمی بده (صَلِّ عَلَيْهِمْ). زیرا دلگرمی تو به آنان اطمینان می بخشد.

خداست شنوا، بر همه چیز دانا. (۹:۱۰۳)

بنابراین، معنی حقیقی این اصطلاح "دلگرمی و پشتیبانی" است و نه "ستایش شبانه روزی" برخلاف برداشت غلطی که از قرآن شده است.

